

دکتر سید حسن حسینی ابری

دانشگاه اصفهان

شماره مقاله: ۳۰۹

مروری بر منطقه کوه‌رنگ در رابطه با اسکان عشایر

Dr.S.H. Hosseini Abari

University of Esfahan

A Review of Kooh - Rang Region in Connection with Settling the Nomads

The settlement, everywhere, is affected by a number of factors such as Geographical, Social, Cultural, etc. Neglecting each of the above may fail the purpose.

The region of Kooh - Rang is lacking a number of geographical, technical and material elements necessary for the settlement of nomads whom use the area as their summer pastures. Because of the long and sever winters (about 7 months a year), as well as lack of surface land, short growing season (8 months freeze), of minerals, industrial jobs and other occupational chances for the population, it is not suitable area for the nomads who are keen to leave this type of life (nomadism).

the paper focuses several issues that are integrally needed to chose an area for settling the nomads, even for any type of settlement, ever as the rural comunités or semi - nomads and other.

The result of the paper is that the planning for settlement of the nomads in Kooh - Rang area in all sorts of it at least spoils the time and the capital recourses for after the settlement they so on emigrate in to the other areas but not as the sheep herders and nomads. But as the poor unskilled migrants.

مقدمه:

کوچ‌نشینی، آن نوع زندگی و معیشت انسانی است که در آن انسان از طریق پرورش دام و برخورداری از فراورده‌های کشاورزی زیست می‌کند. ویژگی اصلی و اساسی این نوع معیشت تحرک

و جابه‌جایی گروه‌های انسانی است و امروزه اصطلاحات عشایر، کوچ‌نشین، گله‌دار، مالدار، چادرنشین و ایلپاتی همگی دلالت بر زندگی کوچ‌نشین دارد.

مقتضیات محیط طبیعی و جغرافیایی، در پدیدآوردن نوع زندگی کوچ‌نشین، تأثیر مستقیم دارد. به همین علت قلمرو زندگی کوچ‌نشین، به محیط‌های جغرافیایی خاصی محدود می‌شود. کلیه انواع معیشت و زندگی مبتنی بر جابه‌جایی، دائمی یا موسمی، گروه‌های انسانی را می‌توان تحت عنوان گونه‌های کوچ‌نشین طبقه‌بندی کرد.

حیات انسان کوچ‌نشین دامدار، همواره در مسیری قرار دارد که طبیعت و کم و کیف علوفه و آب مورد نیاز دام‌های او، تعیین می‌کند و طبیعت نیز در مقایسه با توان کوچ‌نشینانی که از نظر ابزار و تکنیک در مراحل اولیه زندگی قرار دارند، سراسر مملو از نابسامانی و در بعضی مناطق ناپایداری است. این ناپایداری، جوامع یاد شده را مجبور به ترک یا تبدیل معیشت کوچ‌نشین به انواع دیگر معیشت از جمله یکجانشینی کرده است که اسکان خودجوش آنان نیز مملو از نابسامانی است.

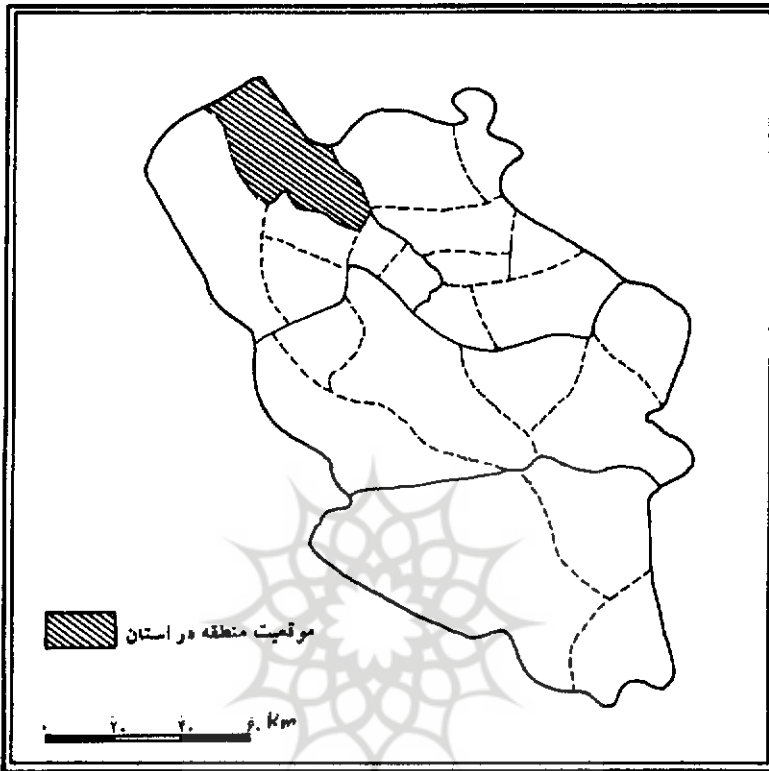
این مقاله که حاصل آشنایی و حضور متناوب نویسنده به مدت بیش از ۲۰ سال در منطقه کوه‌رنگ، از استان چهارمحال و بختیاری (یکی از متراکمترین مناطق بیلاقی طوایفی از ایل هفت لنگ بختیاری) می‌باشد، منطقه را از جهات یاد شده مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است که امید می‌رود مورد توجه خاص صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان اسکان عشایر قرار گیرد.*

منطقه کوه‌رنگ:

منطقه کوه‌رنگ که مجموعه‌ای از روستاهای دهستان شوراب و تنگ‌گزی در غرب استان چهارمحال و بختیاری است، بین ۲۷° ۳۲' عرض شمالی و ۲۷° و ۵۰' طول شرقی (درایستگاه چلگرد) و در دره‌ها و دامنه‌های کوه‌های زردکوه بختیاری، هفت تنان و سالدران واقع شده است. از جهت شمال به مناطقی از شهرستان‌های فریدون‌شهر و فریدن در استان اصفهان، از غرب و جنوب غربی به دهستان باؤفت و از شرق و جنوب به دهستان‌های بن و حومه فارسان و بیرگان از استان چهارمحال و بختیاری محدود است. این منطقه به علت واقع شدن در بخش متراکم شعب کوه‌های یاد شده، تنها از طریق سه معبر، یکی در نیمه راه غربی و به موازات مسیر زاینده رود به منطقه فریدن، دیگری از طریق جاده آسفالتی به شهرستان‌های فارسان و شهرکرد و سومی در مسیر یک جاده شوسه به شهرستان اردل ارتباط پیدا

* - در این مقاله تصمیم به هر نوع اسکان عشایر در منطقه مورد بررسی قرار گرفته است. اعم از اسکان کامل، رمه

نقشه شماره ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه در استان چهارمحال بختیاری



می‌کند ضمن آن که این سه معبر نیز مسائل خاص خود را دارند. بویژه در فصول سرما و بارندگی، بویژه هنگام بارش برف و متعاقب آن مسدود شدن راههای ارتباطی، این منطقه از نظر دسترسی به مناطق دیگر به یکی از مناطق منزوی استان چهارمحال و بختیاری تبدیل می‌شود.

مساحت کل منطقه کوه‌رنگ حدود ۱۲۰۰ کیلومترمربع است که متشکل از کوههای بلند با شیب تند، تپه‌ها، فلاتها و تراسهای بالای دره‌ها می‌باشد و مساحت محدودی از منطقه را نیز دره‌های آبرفتی و واریزه‌های بادبزنی تشکیل داده شده است. (۹۴٪ کل وسعت منطقه).^۳ ارتفاع زیاد منطقه از سطح دریا (بین ۲۳۰۰ تا ۴۵۳۶ متر) و شکل ارتفاعات آن (شمال غربی - جنوب شرقی) به صورت دیواره‌ای بلند مانع نفوذ ابرهای باران زای غربی شده و بیشترین بهره را از ابرهای بهاری و زمستانی (بین ۷۰۰ تا ۱۹۰۰ میلی متر در سال) می‌برد.^۴

بارندگی و ارتفاع زیاد از سطح دریا، سبب ایجاد منطقه‌ای معتدل از نوع سرد و مرطوب شده است و در نتیجه اکثر اراضی آن را مراتع و چراگاه‌های تابستانی ایل هفت لنگ بختیاری مرکب از طوایف بابادی باب و دورکی باب تشکیل داده است.

طی قرنهای گذشته منطقه کوه‌رنگ بطور عمده به عنوان بیلاق طوایف یاد شده و به صورت مراتع تابستانی مورد استفاده قرار می‌گرفته و سکونت دائمی در آن، اصولاً طی نیم قرن گذشته شکل گرفته است. به همین دلیل آثار سکونت انسان در آن، بطور عمده شکلی موقتی و تکامل نیافته دارد و در تمامی منطقه نمی‌توان اثری از مساکن قدیمی محکم مبنی بر اصول معماری یافت، بطوری که در تمامی روستاهای بزرگ و کوچک نیز در مرکز بخش (چلگرد) اثری از این نوع ساختمانها مشاهده نمی‌شود. اما در دهه‌های اخیر بویژه تحت تأثیر بروز مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در زندگی عشایر کوچرو و مقایسه زندگی آنان با زندگی یکجانشینان، موجب شده است تا عشایر نیز معقول بودن نوع زندگی خود را زیر سؤال برده در نتیجه به همان صورت که مهاجرت از روستا به شهر در شکل امواج کنترل ناپذیر شدت گرفته است، یکجانشین شدن عشایر نیز از شدت وحدت بیشتری برخوردار شده است. به گونه‌ای که با وجود روند رشد طبیعی جمعیت در روستاهای منطقه در دهه ۱۳۷۰ و اوائل دهه ۱۳۸۰ (حدود ۳/۵۵٪)۵، رشد عمومی جمعیت در کل شهرستان فارس (مرکز فرمانداری منطقه) نیز به ۶/۶٪ افزایش یافته و در روستاهای منطقه کوه‌رنگ طی ۸ سال (۶۵ تا ۷۳) این افزایش به بیش از ۱۵٪ رسیده است.^۶

سؤال اصلی این گزارش این است که در شرایط فعلی و با ظهور تب اسکان در عشایر کوچرو، آیا شرایط محیطی منطقه مورد مطالعه، توان بالقوه تأمین نیازهای زندگی آنها برای سکونت دائمی را دارد یا نه؟ تنگناها و امکانات منطقه، در آینده چه پاسخی به تأمین نیازهای اولیه زندگی و تأمین معاش عشایر یکجانشین خواهد داد؟ آیا در صورت عدم برنامه ریزی دقیق اسکان، سرمایه‌های مصرفی بیهوده نخواهد بود؟ یعنی زمانی نخواهد رسید که مشخص شود منطقه توانایی پاسخگویی به نیازهای مختلف زندگی عشایر اسکان یافته را ندارد و آنها مجبور شوند دوباره، پس از اتلاف سرمایه‌های خود در راه استقرار نسنجیده در این منطقه، به حاشیه شهرها و یا نقاط دیگر مهاجرت کنند؟ و به این ترتیب سرمایه‌های مضاعفی تحمیل شود؟

به عبارت دیگر آیا منطقه توانایی تأمین نیازهای جمعیتی حدود ۵۰ هزار نفر (مجموع روستائیان موجود و عشایر اسکان داده شده) را دارد یا نه؟ و آیا منطقه امکانات زیر را در اختیار آنان قرار خواهد داد؟

- الف) امکانات تأمین معاش و نیازهای خانوادگی اعم از اشتغال، خوراک، پوشاک و تأمین خوراک سالانه دام آنها
- ب) ارائه خدمات عمومی
- ج) امکانات دسترسی به سایر منابع و مناطق، هم برای تکمیل منابع معیشت و هم به منظور تأمین بازار کار و معاملات مربوط به خرید و فروش تولیدات و مایحتاج جمعیت آینده منطقه
- د) امکان احداث کارگاههای صنعتی و معدنی برای اشتغال جمعیت مازاد حال و آینده
- بررسی شرایط محیطی منطقه نشان می‌دهد که:

۱- منابع ارضی:

امکانات کشاورزی یا امکانات تأمین معاش جمعیت از طریق تولیدات ارضی بسیار محدود است. این محدودیت به علت کوتاه بودن فصل رشد محصولات بارزتر می‌شود. زیرا رکن اصلی زندگی عشایراسکان یافته دامدار تأمین علوفه مورد نیاز دامها در تمامی مدت سال است که باید به طریق چرای مستقیم و یا تعلیف دستی باشد. تولید علوفه نیز صرف نظر از این که عشایر خود فاقد مهارتهای لازم کشاورزی هستند، از نظر طبیعی نیز نیازمند اراضی حاصلخیز و مناسب، آب و گرمای کافی برای رشد محصولات علوفه‌ای است. محاسبات نشان می‌دهد که مجموع مساحت اراضی قابل کشت آبی و دیم منطقه حدود ۲/۹٪ وسعت کل آن است و بطور عمده این اراضی در حواشی رودخانه‌ها و در قعر دره‌ها به صورت باریکه‌هایی از اراضی ناهموار و سنگلاخی با وسعت محدود، قرار دارند.^۷

ارضی کوهستانی و تراسهای مرتفع منطقه نیز که وسعت آنها مجموعاً در ذیل عناوین کوهها و تپه‌ها مشخص شده است، بیش از ۹۴٪ وسعت منطقه را در برمی‌گیرد و مراتع طبیعی که مورد استفاده هر دو گروه عشایر و روستانشینان می‌باشند، شامل قسمت عمده‌ای از کوهستانها و دامنه‌های پرشیب منطقه است. حدود ۳/۱٪ وسعت منطقه را نیز بستر رودخانه‌ها و آبراهه‌های طبیعی اشغال کرده است. شیب تند و سنگلاخی بودن این اراضی قابلیت تبدیل آنها را به عرصه‌های کشت آبی، بدون سرمایه‌گذارهای سنگینی که همزمان نیازمند ابزارهای پیشرفته و مهارت بالا می‌باشد (و این هر دو بیرون از توان مردم عشایری است) ناممکن می‌سازد.

جدول شماره ۱- توزیع اراضی منطقه کوه‌رنگ^۸

نوع اراضی	مساحت (هکتار)	درصد از کل مساحت منطقه
کوه‌ها و تپه‌ها	۱۰۹۴۰۰	۹۴
دشتها و مخروط افکنه‌ها	۳۴۶۶	۲/۹
بستر رودخانه‌ها	۴۲۰۰	۳/۱
مجموع	۱۱۷۰۶۶	۱۰۰

سهم سرانه اراضی زیر کشت منطقه نیز بسیار ناچیز است و اگر فقط برای تأمین بخشی از معیشت یکجا نشینان موجود محاسبه شود سرانه اراضی کشت آبی حدود ۰/۲ هکتار و سرانه کشت دیم حدود ۰/۴۷ هکتار است.

و در صورتی که جمعیت کوچرو منطقه نیز که به هر حال دارای نسقی موروثی از اراضی منطقه هستند به حساب آورده شود، ارقام فوق به کمتر از نصف تقلیل خواهد یافت. یعنی ۰/۰۹ هکتار از اراضی کشت آبی و ۰/۲۲ هکتار از اراضی کشت دیمی.

تأثیر عوامل مختلف طبیعی در بازده محصولات کشاورزی منطقه بویژه ضعف خاک در اثر پایین بودن درجه حرارت و شستشوی مفرط زمین (در نتیجه بارندگی فراوان) بازده محصولات کشاورزی را بویژه در زمینه تولید غلات که به همان علل کشت غالب منطقه را تشکیل می‌دهد، به حدود ۲/۵ تن در هکتار در زراعت آبی و ۰/۵ تن در هکتار در اراضی دیم پایین آورده است.

با فرض این که کلیه اراضی قابل کشت منطقه به زیر کشت گندم برده شود و سرانه مورد نیاز گندم برای هر فرد عشایری اسکان یافته ۲۳۰ کیلوگرم در نظر گرفته شود، سرانه مازاد محصول که درآمد اصلی بخش کشاورزی خانوار را تشکیل می‌دهد ۱۱۴ کیلوگرم خواهد بود که بطور قطع نیازهای مختلف زندگی خانوار را تأمین نخواهد کرد. کشت سایر محصولات، بویژه محصولات سودآور نیز در منطقه با محدودیت گرما مواجه است.

۲- منابع آب:

منطقه کوه‌رنگ از منابع اصلی تأمین کننده آب زاینده رود و قسمتی از کارون است. بویژه سرچشمه زاینده رود و شعب اصلی آن و نیز آب کوه‌رنگ که از طریق تونلهایی چند به اصفهان می‌رسد، در این بخش قرار دارد. بطوری که از مجموع ۱۴۵۰ میلیون متر مکعب آب سالانه زاینده

رود و شعب آن جمعاً بیش از ۰/۰۷۵ آن از این منطقه تأمین می‌شود^۹. یعنی بطورکلی این منطقه به صورت بالقوه علاوه بر این که کمبود آب ندارد دارای مازاد آبی چندین برابر مورد نیاز در کشاورزی محدود خود نیز می‌باشد. اما از نیمه خرداد تا آخر مهرماه که فصل رویش گیاهان است منطقه به علت عوامل مختلف طبیعی و انسانی با کمبود آب روبرو است. قابلیت اراضی منطقه براساس مطالعات مشترک دانشگاه صنعتی و جهاد سازندگی اصفهان هم برای زراعت‌های آبی و دیم و هم احیای مراتع در حد محدودی است^{۱۰}.

۳- اقلیم منطقه:

مهمترین مشکل منطقه از جهت سکونت، کشاورزی و دامپروری شدت سرما و برفگیر بودن آن است.

آمار ۴۰ ساله ایستگاه کوه‌رنگ، شرایط اقلیمی منطقه را بدین گونه تصویر می‌کند^{۱۱}:

حداکثر مطلق درجه حرارت سالانه، ۳۵ درجه در تیرماه؛

حداقل مطلق درجه حرارت ۲۸- درجه در دی ماه؛

میانگین درجه حرارت سالانه، ۹/۵ درجه سانتیگراد با میانگین صفر درجه و پایین‌تر از آن در

آذر، دی و بهمن؛

متوسط بارندگی سالانه، ۱۲۰۰ میلیمتر از اوایل مهر تا خرداد ماه؛

متوسط تعداد روزهای یخبندان ۱۴۵ روز. اما احتمال یخبندان در ۸ ماه سال از مهر تا

اردیبهشت نیز وجود دارد.

قطر برف در اکثر سالها ۴ تا ۷ متر؛

ماه‌های بدون یخبندان ۴ تا ۵ ماه از اردیبهشت تا شهریور؛

روزهای بدون بارندگی ۱۲۶ روز یا کمتر از ۱۰ میلیمتر در ۴ ماه خرداد تا شهریور؛

در این منطقه تنها ۴ ماه از سال را می‌توان دوره فعالیتهای کشاورزی و رشد پیوسته گیاه نامید

و ۸ ماه از سال رویش گیاه یا متوقف است یا بکنندی صورت می‌گیرد و در نتیجه مسائل مختلفی از

قبیل:

بیکاری، نبود آذوقه برای دامها و هزینه‌های بالای تأمین سوخت و انرژی برای تولید گرما، (و

نیز منظره سفید پوش طبیعت در یک دوره طولانی) به وجود می‌آید که خود از نظر تأثیر روانی بر

ساکنین منطقه قابل بررسی جداگانه است.

۴- جمعیت:

در سال ۱۳۶۶، از کل جمعیت ۱۵۸۹۵ خانواری عشایر استان چهارمحال و بختیاری تعداد ۳۵۰۵ خانوار با جمعیتی حدود ۱۶۴۱۸۰ نفر (۲۲٪ کل عشایر استان) در این منطقه سرشماری شده‌اند، همچنین تعداد ۲۲۸۸ خانوار روستایی (۱۴۳۴۵ نفر) جمعیت یکجانشین منطقه را تشکیل می‌دهد.^{۱۲}

با روند رشد طبیعی ۳/۵۵٪ جمعیت، در سال ۱۳۷۱ کل جمعیت روستایی منطقه حدود ۱۷۳۴۵ نفر بوده است و با اسکان ۲۳۵۴۷ نفر جمعیت عشایر در منطقه، جمعیتی معادل ۳۳۸۹۲ نفر در منطقه ساکن خواهد شد که با توجه به رشد طبیعی جمعیت، در سال ۱۳۸۰ تعداد کل جمعیت منطقه از مرز ۵۰ هزار نفر نیز خواهد گذشت.^{۱۳}

۵- دام و مرتع:

تعداد کل دام منطقه اعم از عشایری و روستایی بالغ بر ۷۱۳۴۷ رأس گوسفند و بز و ۹۸۵۳ رأس گاو و گوساله برآورد شده است. سطح کشت سالانه جو و علوفه برای تغذیه این تعداد دام در مجموع ۱۷۳۳ هکتار است، با مجموع تولید ۱۱۸۷ تن جو و ۴۲۵۵ تن علوفه خشک.^{۱۴}

جدول شماره ۲- تولیدات علوفه منطقه کوه‌رنگ^{۱۵}

محصولات اصلی و تولیدات آن	هکتار	تولید به تن	جمع
جو آبی	۹۹	۲	۱۹۸
جو دیم	۹۳۳	۰/۵	۴۶۶
علوفه	۷۰۲	۲/۵	۱۷۵۵
--	۱۷۷۹	--	۲۰۱۹

مجموع ظرفیت مراتع منطقه برای یک دوره تعلیف ۱۰۰ روزه، ۲۱۵۸۷۲/۵ واحد دامی منظور شده است. با احتساب علوفه کشت شده و تولید جو در منطقه مجموعاً توان تأمین علوفه‌ای معادل ۲۳۹۲۶۷۲۵ تعداد واحد دامی در منطقه وجود دارد. لیکن در صورتی که عشایر با دامهای خود در منطقه اسکان یابند مجموع علوفه مورد نیاز سالانه آنها حدود ۴۰۴۲۷۰۳۵ واحد دامی

خواهد بود. یعنی ۱۶۵۰۰۳۱۰ واحد دامی (۳۹٪ نیاز) کسر علوفه در منطقه وجود خواهد داشت. در صورتی که استراتژی رمه گردانی و یکجانشینی خانوار عشایر نیز مورد نظر باشد مسائل خاصی دارد که در جای خود قابل بررسی است.

از این گذشته نگهداری دام در آغل با توجه به سرمای ۲۸- درجه زمستانی و پوشش ۶ ماهه برف بر روی زمین و اجبار به تغلیف دام در محیطهای مسدود، بدون امکان تحرک آن، مسائل مختلفی را برای دام و دامداری به وجود خواهد آورد.

۶- صنایع، به عنوان رکن سوم معیشت منطقه نیز ناتوان است:

منطقه کوهرنگ از جهت صنایع نیز، از مناطق عقب مانده استان چهارمحال و بختیاری و یکی از عقب مانده ترین مناطق کشور محسوب می شود. صنایع موجود محلی نیز بطور عمده شامل صنایع تبدیلی یا مصرفی مورد نیاز جامعه عشایری است و در نتیجه از نظر بازار مصرف و امکان گسترش، موقعیتی ابتدایی دارد.

مسئله مهم در توسعه صنایع منطقه، این است که براساس سنن قومی، مردها تنها به پاسداری از حریم خانواده می پردازند و در تولید صنعتی خواه سنتی یا جدید نقش فعالی ندارند و این بخش کار نیز، اصولاً از اشتغالات زنان محسوب می شود. زنان نیز تمامی اشتغالات خانوار یعنی: خانه داری، دامداری، صنایع تبدیلی و بخشهایی از امور کشاورزی را بر عهده دارند. از این روی از نظر پرداختن به صنایع دستی، طبیعی متفاوت با زنان سایر مناطق کشور از جمله زنان مناطق کویری و حاشیه کویری و حاشیه شهری دارند. مثلاً در دیگر مناطق روستایی کشور از جمله در منطقه کویری از ۵۰۰ خانوار جمعیت (روستای فرخی، خورو بیابانک) ۴۵۰ خانوار به قالی بافی اشتغال دارند^{۱۷}، و این در حالی است که در کل منطقه کوهرنگ در سال ۱۳۷۱ تنها ۹۰ خانوار دارای کارگاه یا ابزار ساده ای برای بافت انواع قالی و گلیم بافی، پشم ریزی، زیلوبافی، جاجیم، پارچه بافی و دیگر صنایع دستی بوده اند. این صنایع نیز بطور عمده برای خانوارها جنبه خود مصرفی دارد^{۱۸}.

صرف نظر از صنایع دستی، هنوز صنایع ماشینی در منطقه ظهور نکرده است و جامعه عشایری و حتی یکجانشین منطقه زمینه صنعتی قابل توجهی ندارند. از نظر صنایع استخراجی نیز تا کنون معادن مهم قابل بهره برداری در منطقه شناخته نشده است. طولانی بودن دوران یخبندان و توقف طولانی مدت فعالیت های خارج از خانه، بهره برداری از معادن را با عدم موازنه در سرمایه گذاری مواجه می کند. به هر صورت در منطقه کوهرنگ زمینه صنعتی اشتغال زا در پایین ترین حد خود قرار دارد.

۷- دسترسی به مناطق صنعتی و در دسترس:

بنا به عللی که در بالا ذکر شد و نیز فقدان راهها و وسایل ارتباطی سهل الوصول، منطقه کوهرنگ نیمی از ایام سال در انزوای نسبی و بیشتر روستاهای آن چند ماه را در انزوای کامل قرار دارند و امکان جابه جایی روزانه جمعیت، برای دستیابی به مناطق صنعتی و اشتغال در خارج از منطقه در فصول سرد سال، وجود ندارد. به همین دلیل دو نوع مهاجرت دائم و فصلی از سوی مردان جوینده کار در منطقه دیده می شود، صرف نظر از نوع اشتغال مهاجرین در بیرون منطقه که سرانجام به مهاجرت دائم آنان می انجامد. اما حرکت پاندولی در جستجوی کار امکان پذیر نیست.

۸- امکانات رفاه جمعی:

بطور کلی شرایط طبیعی زمین و فقدان اراضی وسیع و هموار در منطقه، امکان تجمع جمعیت زیادی را ندهاده است. بطوری که در سال ۱۳۷۱ از ۱۲۴ واحد روستایی منطقه بطور متوسط در هر واحد ۱۵ خانوار ساکن بوده است. تعداد روستاها، دوری نسبی آنها از یکدیگر و خصوصیات عشایری جامعه، موجب شده است که جمعیت روستایی لازم برای واگذاری خدمات جمعی بندرت به وجود آید. در نتیجه بسیاری از روستاها فاقد هر نوع امکانات رفاهی جمعی هستند. اکثر آنها (۶۲ واحد) فاقد شبکه برق رسانی و همین تعداد (۶۲ واحد)، فاقد شبکه آب لوله کشی هستند. در حال حاضر (زمان بررسی) در تمامی منطقه فقط یک واحد درمانی و نیز یک شبکه مخابراتی (و ۷ صندوق پست) وجود دارد. ۵۳ واحد، فاقد مراکز آموزشی ابتدایی بوده اند و در تمامی منطقه تنها یک مدرسه راهنمایی وجود داشته است. بیش از ۹۰٪ روستاها فاقد مراکز مذهبی از قبیل مسجد و حسینیه و نیز ۹۵٪ فاقد حمام می باشند. از سوی دیگر برای مداوای دامها نیز تنها یک واحد دامپزشکی در کل منطقه وجود دارد.^{۱۹}

از نظر دسترسی به مراکز داد و ستد برای فروش مازاد تولیدات و تأمین مایحتاج نیز، نسبت به فصول گرم و سرد سال، دو کیفیت متفاوت در منطقه قابل بررسی است:

در فصول گرم سال و با ورود عشایر، کم و بیش تمامی روستاها بویژه روستاهای بزرگ، از جمله چلگرد، دیمه، دهنو علیا، میان رودان و شیخ علی خان، به صورت مراکز عمده داد و ستد منطقه در می آیند و هر یک به نوعی، مرکز معاملات عشایر و روستائینان قرار می گیرند. در بین این روستاها نیز فقط روستای چلگرد به صورت بازار فعالی برای فعالیتهای تجاری منطقه در می آید و کسبه و پیلهوران از شهرکرد، خوانسار، نجف آباد و اصفهان به مدت ۴ تا ۵ ماه در این محل مستقر می شوند. داد و ستد در این بازار کیفیتی خاص و قابل بررسی دارد که بطور خلاصه می توان گفت این

نوع معاملات، فقط برای پيله وران سود زيادی داشته و برعکس به زبان مردم عشایري و محلی می باشد.

از طرفی ديگر هم باید توجه داشت که در گذشته ای نه چندان دور نیز، بیشتر دامهای منطقه و بخصوص دامهای عشایري، در حقیقت به همین پيله وران تعلق داشته است. اما در سالهای اخیر با به وجود آمدن واحدهای تعاونی و خدمات تعاونی، فروش مایحتاج مردم و خرید تولیدات آنان توسط سازمان امور عشایري و تعاون روستایی، تعديل محسوسی در روند داد و ستد منطقه ایجاد شده است.

دسترسی به خدمات بهداشت و درمان اعم از انسان و دام نیز هنوز محدود است. بطوری که براساس بررسیهای به عمل آمده در سال ۱۳۷۱، در مقابل هر ۱۵۰۰۰ نفر انسان فقط یک نفر پزشک و در مقابل هر ۵۳۰۰ زن فقط یک واحد مامایی و در مقابل هر ۳۰ هزار رأس دام فقط یک نفر دامپزشک آن هم بدون درمانگاه مجهز برای انسان و دام، در منطقه وجود داشته است.^{۲۰} انتقال بیماران به مراکز مجهز درمانی نیز خود مسائل ویژه ای دارد که مستلزم بررسی جداگانه ای می باشد. در فصول سرد سال و هنگام ریزش برف و اوج سرما، مسدود شدن راهها و قطع ارتباط منطقه با بیرون از آن، فعالیتهای خدماتی منطقه نیز همانند توقف رشد نباتات، بطور محسوس ولی نه بطور قطع، متوقف می شود. در چنین احوالی طبیعی است که قیمت اجناس مورد نیاز زندگی روزمره انسان بطور سرسام آوری بالا می رود. برای نمونه: قیمت هر لیتر نفت در سال ۱۳۷۲ نسبت به قیمت آن در مناطق شهری بین ۹۰ تا ۱۰۰٪ فزونی داشته است، و قیمت هر کیلوگامه بین ۶۰ تا ۱۰۰ ریال، یک کیلو جو بین ۱۸۰ تا ۲۸۰ ریال و علوفه بین ۸۰ تا ۲۵۰ ریال در هر کیلو متغیر بوده است.^{۲۱}

نتیجه:

۱- منطقه کوه رنگ از جهات مختلف در انزوای نسبی و بعضاً کامل جغرافیایی قرار دارد. این انزوا در حدود ۴ ماه از سال از آذر تا اسفندماه و در بعضی از روستاهایش از این طول می کشد.

۲- از لحاظ توپوگرافی، منطقه ای است بشدت ناهموار، بطوری که وسعت اراضی هموار آن از ۲/۸٪ کل وسعت منطقه تجاوز نمی کند. این همواری نیز نسبی و نیازمند سرمایه گذاری کلان برای تسطیح آن می باشد.

۳- زمستانهای منطقه طولانی و طاقت فرساست. بطوری که طی حدود ۸ ماه از سال، تأمین انرژی حرارتی، بالاترین هزینه را برای خانوارهای ساکن آن به بار می آورد. طول مدت سرمای زیر

صفر منطقه نیز فصل رشد گیاه را برای مدت ۶ تا ۸ ماه از سال محدود یا کند می‌کند.

۴- پوشش قطور و ماندگاری ۴ تا ۵ ماهه برف بر روی زمین، از نظر چشم انداز، منظره‌ای خسته‌کننده را به وجود می‌آورد.

۵- وسعت اراضی قابل کشت منطقه اعم از آبی و دیم از حدود ۳٪ کل وسعت آن تجاوز نمی‌کند. این نسبت برای زراعت آبی ۱٪ و برای زراعت کم بازده دیم ۲٪ و سهم سرانه هر خانوار ساکن در منطقه ۰/۲ هکتار اراضی آبی و ۲ هکتار از اراضی دیم است. کمبود بازده محصول در واحد سطح نیز بجز با سرمایه‌گذاری کلان قابل جبران نیست. نسبت سرانه اراضی زراعت آبی منطقه نیز در صورت اسکان کلیه خانوارهای عشایری به نصف تقلیل خواهد یافت و به علت شرایط نامساعد اقلیمی، در سطح وسیعی از منطقه امکان توسعه باغداری و دیگر شیوه‌های بهره‌برداری از زمین وجود ندارد.

۶- تراکم تعداد دام در مراتع بسیار بالا و نزدیک به ۲ برابر ظرفیت تولیدی مراتع و علوفه کشت شده در منطقه است. صرف نظر از این بطورکلی، منطقه برای نگهداری سالانه دامها مناسب نیست. نسبت سرانه دام منطقه به تعداد افراد انسان آن حاکی از عدم تأمین اقتصادی خانوار دامدار است. گذشته از این امکان تأمین علوفه مورد نیاز سالانه دام در منطقه با شرایط تکنولوژیکی و سرمایه‌ای محلی وجود ندارد.

۷- جمعیت فعال منطقه طی مدت ۵ ماه از سال با بیکاری آشکار و بقیه ایام سال را با بیکاری پنهان مواجه است و با اسکان عشایر در منطقه نیز علاوه بر بیکاری آشکار که ناشی از طبیعت خشن منطقه است، بیکاری پنهان نیز به نسبت افزایش جمعیت فزونی می‌یابد. زیر بناهای صنعتی و معدنی اشتغال‌زا نیز در داخل منطقه وجود ندارد و امکان دسترسی ساکنین نیز به چنین فعالیت‌هایی در بیرون منطقه و با رفت و برگشت روزانه میسر نیست.

۸- امکانات فنی و آموزشی نیز تاکنون در منطقه پایه ریزی نشده و در آینده نیز تحت تأثیر زنجیره مشکلات منطقه به آسانی سازماندهی نخواهد شد.

۹- به نظر می‌رسد جمعیت عشایری که با سرعت غیر معقولی در منطقه در حال اسکان است، پس از اتلاف سرمایه‌های زیادی که برای اسکان آنها مصرف خواهد شد، بزودی منطقه را ترک خواهند کرد. این پیش‌بینی برای جمعیت یکجانشین منطقه نیز حتی با شرایط اقتصادی موجود قابل انکار نیست.

صرف نظر از این‌که برنامه ریزی اسکان عشایر در منطقه با مشکلات متعددی روبروست

امکانات بالقوه‌ای نیز در منطقه وجود دارد که در کوتاه مدت و با سرمایه و تکنیک موجود منطقه قابل دسترسی نیست. لیکن در صورت سرمایه‌گذاری‌های کلان و به کارگیری تکنیک و فن، در بلند مدت می‌تواند برای نسل‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد. در زیر به برخی از تکنیک‌های مورد نیاز و فنون لازم اشاره می‌شود:

- ۱- با انتقال آب به فلاتها و تراسهای مرتفع منطقه عرصه‌های مناسبی برای کشت علوفه ایجاد خواهد شد که مستلزم مطالعات محلی و برنامه ریزی اجرایی متناسب است.
 - ۲- در حال حاضر سالانه نزدیک به ۷۰ تن پشم و نزدیک به ۲۰۰۰۰ جلد پوست در منطقه تولید می‌شود که زمینه مساعدی برای توسعه صنایع مربوطه در آینده منطقه است.
 - ۳- ذخایر عظیمی از نیروی هیدرو الکتریسیته در منطقه وجود دارد (تونلهای کوه‌رنگ و تخلیه سالانه نزدیک به ۵۰۰ میلیون متر مکعب آب به سمت اصفهان و نزدیک به ۲۰ رودخانه دائمی که با برنامه ریزی مناسب می‌تواند انرژی مورد نیاز برای تأمین گرمای سکونتگاههای انسانی و توسعه صنایع کارگاهی را در بلند مدت فراهم نماید)^{۲۲}.
 - ۴- چشم اندازهای مناسب و لطافت هوای منطقه، امکان بهره‌برداریهای وسیع توریستی را در آن فراهم می‌آورد. در این زمینه سرمایه‌های سرگردانی که در شهر فارسان (مرکز شهرستان) و روستاهای منطقه در ایجاد ساختمانهای لوکس نامتعادل با پذیرش منطقه به هرز می‌رود، می‌تواند در جهت تأمین سرمایه‌های مورد نیاز عمران معقول منطقه در این مسیر به کار گرفته شود.
- هر چند امکانات و توانهای بالقوه منطقه فراوان است، اما نه برای عشایر در حال اسکان یا ساکن موجود، بلکه برای جامعه‌ای با تکنولوژی پیشرفته و سرمایه‌های کلان که عشایر موجود فاقد هر دوی آنهاست. لذا اسکان عشایری منطقه به هر صورت در آینده با شکست قابل پیش‌بینی مواجه خواهد شد.

منابع و مأخذ:

- ۱- امان الهی، سکندر، کوچ نشینی در ایران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، سال ۱۳۶۰.
- ۲- بارث، فردریک، ایل باصری، ترجمه کاظم ودیعی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، سال ۱۳۶۰.
- ۳- از طریق انجام محاسبات بر روی نقشه ۵۰:۱ سازمان جغرافیایی کشور.
- ۴- مطالعات اقلیمی طرح اسکان عشایر بازفت، گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان، سال ۱۳۷۳، جلد اول.
- ۵- حسینی ابری، سید حسن، مطالعات طرح هادی روستای دهنو علیا، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۶- همان منبع.
- ۷- همان منبع.
- ۸- همان منبع.
- ۹- حسینی ابری، سید حسن، زاینده رود از سرچشمه تا مرداب، اصفهان، نشر گله‌ها، در دست چاپ.
- ۱۰- جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان، طرح شناسایی پوشش گیاهی و ارزیابی مراتع قسمتی از شهرستان فارس، سال ۱۳۶۷.
- ۱۱- منبع شماره ۹.
- ۱۲- سازمان برنامه و بودجه، مقایسه سرشماریهای نفوس و مسکن، نشریات شماره ۱۶ و ۱۷.
- ۱۳- مقایسه ارقام مختلف.
- ۱۴- گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان، مطالعات طرح اسکان عشایر منطقه بازفت، سال ۱۳۷۲.
- ۱۵- مطالعات محلی.
- ۱۶- منبع شماره ۱۰.
- ۱۷- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اصفهان، طرح هادی روستای فرخی، از توابع شهرستان نائین، سال ۱۳۷۰.
- ۱۸- منبع شماره ۵.
- ۱۹- منبع شماره ۵.
- ۲۰- خانه بهداشت چلگرد، اسناد و دفاتر، سال ۱۳۷۱.
- ۲۱- مطالعات محلی.
- ۲۲- تلفیق منابع.